

نگاهی به سبک گلستان سعدی و یکی از ویژگی‌های واژگانی آن

سلمان گودرزی^۱

چکیده:

سبک گلستان سعدی را می‌توان در مجموع عراقی دانست. این اثر با نثری فنی و مسجع و همچنین با تکیه بر سبک شخصی سعدی نوشته شد، همین ویژگی باعث تمایز جدی گلستان از سایر کتب ادبی نظیر آن گردیده است. سبک عراقی از نظر زبانی و کاربرد واژه‌ها با سبک خراسانی متفاوت است، اما در مواردی در گلستان، واژه‌های کهن پهلوی که از مختصات سبک خراسانی است دیده می‌شود و این نکته بیان می‌دارد که سبک گلستان به طور کامل زیرمجموعه‌ی سبک عراقی نیست، از این رو بررسی این اثر از نظر سبک زبانی و همچنین وجود واژگان پهلوی حائز اهمیت است. در این مقاله علاوه بر معرفی گلستان به عنوان نثری فاخر، تلاش شده است تا به روش کتابخانه‌ای نمونه‌هایی از واژه‌های پهلوی موجود در گلستان مورد بررسی قرار گیرد تا نشان دهیم که گلستان تا حدی از لحاظ زبانی و واژگانی جایگاهی بین دو سبک عراقی و خراسانی دارد.

واژگان کلیدی: گلستان، سعدی، سبک شخصی، واژگان پهلوی.

۱. مقدمه:

« ابو عبدالله مشرف به مصلح یا مشرف الدین بن مصلح شیرازی به غالب احتمالات در اوایل قرن هفتم متولد گردیده است و طبق گفته سعید نفیسی شب سه شنبه ۲۷ ذیحجه سال ۶۹۱ هجری در شیراز وفات یافته است » (رمضانی، ۱۳۶۱: ۱۲).

سعدی تخلص خود را از نام شاهزاده ادب پرور سلغری گرفت و در زمان ولیعهدی این شاهزاده هروقت که در شیراز مقیم بود، در خدمت او بود. در جوانی به بغداد رفت و از آنجا در مدرسه نظامیه و حوزه‌های درس و بحث به تکمیل علوم دینی و ادبی پرداخت و در عراق، شام و حجاز مسافرت کرد و حج گزارد و در اواسط سده ی هفتم به شیراز بازگشت (فروغی، ۱۳۶۸: ۹ و ۱۰) شغل او سیر و سفر در سرزمین‌های اسلامی، مجلس گفتن، وعظ و هدایت

^۱ . دانشجوی کارشناسی پیوسته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتاح شهرری

مردم به سوی دین و اخلاق بود. علاوه بر این شیخ در علم لغت، صرف، نحو، کلام، منطق و حکمت، بویژه حکمت عملی علم الاجتماع و سیاست مدن مهارت داشته است و علاوه بر احاطه کامل بر علوم عربی و ادبی و مطالعه دواوین شعرای عرب، در زبان فارسی نیز که در آن روزگار از رونق افتاده بود، توانایی داشته است (بهار، ۱۳۳۷: ۱۱۱ و ۱۱۲). درباب مذهب، اکثراً او را سنی مذهب دانسته اند اما محسن رضانی در مقدمه ای که بر گلستان نوشته است وی را شیعه می داند، شیعه ای که به اصول پایبند است و لباس امن تقیه را برتن کرده است (رمضانی، ۱۳۶۱: ۴).

آثار شیخ عبارتند از گلستان، بوستان، دیوان اشعار و همچنین مواعظ که شامل بخش های مختلفی است. سعدی در سال ۶۵۵ کتاب معروف به بوستان را به نظم درآورده و درسال بعد گلستان را تصنیف کرد.

۲. درباره گلستان:

کتاب گلستان از جمله کتاب هایی است که مورد توجه محققان واقع شده و در معرفی آن نظرات متفاوتی وجود دارد از جمله گفته اند: «سال ۶۵۶ سرفصل جدیدی است در تاریخ ادبی ایران، نگارش گلستان حادثه ای است که دو نظیر بیشتر ندارد: شاهنامه و مثنوی» (دشتی، ۱۳۳۹: ۲۲۹). در مورد دیگری آمده است که: «این کتاب را باید فرآورده آزمونها و نمودار مطالعه سعدی در افکار و احوال و اخلاق و آداب مردمی شمرده که وی در سفر سی ساله با آنها سروکار داشته است و از راز درونشان آگاه گشته و از هریک اندرزی شنیده و نکته ای آموخته و به گنجینه خاطر سپرده است، آنگاه در فراغ بال چندساله ای که در روزگار سلغریان یافته است، این گهرهای تابناک را برشته کشیده و گیسوی عروس سخن را به زیور نظم و نثر گرانبهای خویش آراسته است» (خطیب رهبر، ۱۳۶۲: ۵). استاد محمد تقی بهار در توضیح دقیقی درباره ی این کتاب می گوید: «گلستان کتابی است که در نهایت استادی تالیف گردیده و مراد مولف آن بوده است که کتابی اخلاقی و اجتماعی تالیف کند و خواننده را از حیث معنی در پیچ و تاب زهد خشک و اندرزه های متعصبانه و اصول علم اخلاق نیفکند و به سبب بحث در تربیت عمومی زمان که پرهیز از دنیا و ترک و انقطاع بوده موجب نفرت طابع نشود و از آوردن مکررات تربیت اجتماعی، مطالعه کننده را خسته و ملول نسازد و همچنین از حیث لفظ و اسلوب انشاء نیز با انشای قدیم فرق داشته باشد و از این جهت هم تازگی داشته و گرد مکررات پیشینیان (مانند مجالس پنجگانه خود سعدی) نمی گردد و صنعتی نو به کار بسته است» (بهار، ۱۳۳۷: ۱۲۴).

«گلستان اوج آمیزش دوسبک نثر موزون خواجه عبدالله و قاضی حمید الدین است. گویی شیخ با تتبع در آثار ادبی پیش از خود دریافته که این دوشیوه ابتر مانده است و جای آن دارد که کسی آنها را ادامه بدهد» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۹۱). درباره ی سبک سعدی نیز گفته اند: «او در نگارش گلستان سبک شخصی و فردی را برگزیده است و چون آثار دوره سعدی (قرن هفتم) به نثر فنی نگاشته شده اند او گلستان را به نثر مرسل مسجع که ساخته ذهن و هنر نویسندگی اش بود نگارش داد» (کارگری، ۱۳۸۷: ۳۲ و ۳۳). در واقع هنر بزرگ سعدی این است که نثر فارسی را از

تکلف و کلمات و ترکیبات دور از ذهن و فضل فروشی نجات داد و اعتدالی مطبوع و موزون به آن بخشید و گلستان در مقایسه با آثاری نظیر مقامات حمیدی، تاریخ و صاف، تاریخ جهانگشای جوینی و... بسیار ساده تر و روان تر است (یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۸). و با آنکه سعدی در کلام آهنگین خود انواع تقارن های لفظی و معنوی را در سطوح زبانی، داستانی و سبکی به کار می برد، هیچ یک از این تقارن‌ها باعث تکلف در کلام او نمی شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: شماره ۴).

شیخ سخن خود را ابتدا با عبارات منثور روشن می سازد و سپس با نظم به تکمیل آن می پردازد. گاهی هم نثر به منزله زمینه چینی و تمهید مقدمه است و نظم از آن نتیجه گیری می کند، زمانی نثر در حکم تفصیل است و نظم در مقام تلخیص و عکس این رویه نیز گاه به گاه دست می دهد. مبنای گلستان بر ایجاز است و ایجاز از مختصات زبان پارسی است که از عهد ساسانیان پیروی می شده است. غالباً سعدی در هر موضوع به صورت حکایتی کوتاه طرحی می دهد و نتیجه گیری و تفصیل آن را بدون تصریح به عهده خواننده می گذارد (خزائلی، ۱۳۷۹: ۶۷، ۶۶).

۳. ابواب گلستان:

سعدی ابواب هشتگانه گلستان را طوری ترتیب داده که هر یک دیگری را می آراید و یکی به دیگر مدد می رساند و به سبب تنوع مقالات رفع خستگی می کند. حکایات سعدی در گلستان هم خواندنی و هم شنیدنی و هم متضمن عبرت و نتیجه گیری است به طوری که خواننده گلستان، بی آنکه نیاز به شنیدن عبرت های داستان ها داشته باشد به موازات خواندن داستانی دلپذیر، نکته یا نکاتی اخلاقی و اجتماعی را درک و احساس می کند (دانش پژوه، ۱۳۸۸: ۳۳).

سعدی در گلستان به همه ی اقشار جامعه توجه داشته است: « در آغاز کتاب از سیرت پادشاهان سخن رفته است، بلافاصله در اخلاق درویشان بذله ها و کنایه هایی برضد درویشان پرخوار و کم کار و فقهای بی کردار و خورندگان مال اوقاف به کار می برد و نیز درویشان را به صبر و تحمل و بخشایش و بی طمعی اندرز داده است، در آخر جدال سعدی با مدعی را پیش می آورد و خود را حامی اغنیاء و خداوندان نعمت می شمارد و هواداران فقر و درویشی را جواب می دهد. در میان کتاب از عشق و جوانی که موضوعی است جالب توجه شاه و گدا سخن می گوید، فضیلت قناعت و خاموشی را نیز به حکم تسلیمت فقیران و مصلحت امیران می گنجانند و سخن بایسته و نصایح ضروری را که اصل مقصود و عمده مرام اوست در پیرامون همین ابواب و باب تربیت و آداب صحبت جای می دهد و باید انصاف داد که از این مرتب تر و مناسب تر تا به امروز کتابی تالیف نشده است» (بهار ۱۳۳۷: ۱۲۶). ارزش گلستان به حدی است که امرسون آن را یکی از اناجیل و کتب مقدسه دینتی جهان می داند و معتقد است دستورهای اخلاقی آن قوانین بین المللی است (دشتی، ۱۳۳۹: ۲۲).

۴. نقد گلستان:

با همه این‌ها، بهار سرسبز گلستان به سوز خزان انتقاد نیز رسیده است، علی‌دستی بیشترین این انتقادات را بر گلستان نوشته است که خود از شیفتگان سعدی است. وی نمونه‌های گوناگون از حکایات و سخنان سعدی را در گلستان نشان داده که برخی بایکدیگر متناقض می‌نماید، یا هدفی اخلاقی ندارد و در بعضی از آنها فکر مصلحت‌اندیشی و صیانت نفس بر فضیلت حق پرستی غلبه می‌کند و احیاناً بعضی از حکایات با عنوان باب‌ها سازگار نیست. اگر از آن نظر که دشتی به گلستان نگریسته در این کتاب غور کنیم به همین نکته‌ها خواهیم رسید اما حقیقت آن است که پسند‌ها و اندیشه‌های سعدی را در اخلاق و مسائل اجتماعی و کشورداری در بوستان می‌توان یافت. جهان‌آرزوی سعدی در بوستان جلوه‌گر است نه در گلستان (یوسفی، ۱۳۶۹: ۲۹). این تعبیر استاد زرین‌کوب در مورد گلستان که: «سعدی، در این کتاب انسان را با دنیای او و با همه‌ی معایب و محاسن و باتمام تضادها و تناقض‌هایی که در وجود او هست تصویر می‌کند...» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۱۲۲) پسندیده‌تر می‌نماید. همچنین در تاثیر سخن می‌توان گفت که در دنیای گلستان زیبایی و زشتی و اندوه و شادی در کنار هم اند و تناقض‌هایی که منتقدان در آن یافته‌اند، تناقض‌هایی است که در کار دنیاست، خواست سعدی آن است که در این کتاب انسان و دنیا را آنچنان که هست توصیف کند نه آنچنان که باید باشد.

گفته‌ها و نوشته‌ها درباره ارجمندی نثر گلستان فراوان است و چه بسا بخش بزرگی از رموز و ظرافت‌های حکایت‌های گلستان هنوز ناگفته مانده و شایسته است که با نقد و تحلیل و تفسیرهای گوناگون از چهره‌ی درخشان این کتاب ارزشمند پرده برداشته شود (عبداله‌ی، ۱۳۳: ۱۳۸۵).

۵. سخنوری و طرز بیان سعدی:

درباب چگونگی سخن سعدی حق این است که در وصف او از خود شیخ بزرگوار پیروی کنیم و بگوییم:

من در همه قولها فصیحم در وصف شمایل تو اخرس

اگر سخنش را به شیرین یا نمکین بودن بستاییم برای او مدحی بی‌ارزش است و اگر ادعا کنیم که فصیح‌ترین گویندگان و بلیغ‌ترین نویسندگانست قولی است که همگی می‌پذیرند، اگر بگوییم کلامش از روشنی و روانی سهل و ممتنع است از قدیم گفته‌اند و همه کس می‌داند. استاد فوشه کور، ایران‌شناس فرانسوی، درباب سهل و ممتنع بودن کلام سعدی می‌گوید: ((وی همه‌ی سرمشق‌ها و نمونه‌های فرهنگی زمان خود را که حاوی اندرزهای سیرت و طریقه‌های سلوک تجلی می‌کند، با زبان آوری استادانه سخن بزرگ یعنی سهل و ممتنع ادا می‌کند)) (کمیسون

ملی یونسکو، ۱۳۶۶: ۱۳۲) سعدی سلطان مسلم ملک سخن و تسلطش در بیان از همه کس بیشتر است. کلام در دست او مانند موم است، هر معنایی را به عبارتی بیان می‌کند که از آن بهتر و زیباتر و موجز تر ممکن نیست.

شکسپیر در زبان انگلیسی و مردم انگلیسی زبان چندان نفوذ کرده که بیش از چهارصد و پنجاه جمله از کلمات او در بیان عموم مردم راه جسته و استعمال می‌شود و قریب به دوهزار عبارت و شعر وی در ذهن مردم تربیت شده جایگزین است و مورد استشهاد واقع می‌شود (مینوی، ۱۳۴۶: ۱۵۴). سعدی در زبان فارسی نظیر چنین شانی را دارد. گاهی شنیده می‌شود که اهل ذوق اعجاب می‌کنند که سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن گفته است ولی حق این است که سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن نگفته است بلکه ما پس از هفتصد سال به زبانی که از سعدی آموخته ایم سخن می‌گوییم (فروغی: ۱۳۸۶: ۱۱، ۱۳).

۶. بررسی مختصات لغوی برخی از واژه‌ها:

با توجه به اینکه گلستان سعدی در قرن هفتم تألیف شده است و سعدی را صاحب سبک عراقی می‌دانند اما می‌توان گفت هنوز برخی ویژگی‌های سبک خراسانی از جمله استعمال واژگان پهلوی در آثار سعدی نمایان است. در این تحقیق به بررسی نمونه‌هایی از این واژه‌ها می‌پردازیم تا نشان دهیم که مرزبندی سبک‌ها در موارد بسیاری قطعی نیست و می‌توان ویژگی یک سبک را در سبک دوره دیگر دید. مواردی که در این بخش آورده می‌شود طبق کتاب گلستان شرح دکتر احمدی گیوی و ریشه‌ی واژه‌ها با استفاده از فرهنگ عمید به دست آمده است.

۶، ۱. استعمال لغات پهلوی در گلستان:

۶، ۱، ۱. آهنگ: به زبان پهلوی ← ahang : قصد، عزم

مثال: دیدمش دامنی از گل وریحان فراهم آورده و آهنگ رجوع کرده (احمدی گیوی: ۱۵۴)

۶، ۱، ۲. انبان: به زبان پهلوی ← hanban: کیسه بزرگ

مثال: بر همه عالم همی تابد سهیل جایی انبان می‌کند جایی ادیم (همان: ۳۵۱)

۶، ۱، ۳. اندر: به زبان پهلوی ← andar : در، تو، درون

مثال: چه حاجت که باوی کنی دشمنی/ که وی را چنان دشمن اندر قفاست (همان: ۳۹۷)

۶, ۱, ۳. نیوشیدن: به زبان پهلوی ← niyositan: شنیدن، گوش فرادادن

مثال: حدیث عشق از ان بطلال می نوش / که در سختی کند یاری فراموش (همان: ۳۳۶)

۶, ۱, ۴. همیدون: به زبان پهلوی ← hmeton: مخفف هم ایدون، همین دم، همچنین

مثال: دو صاحب دل نگه دارند مویی/همیدون سرکشی و آرزم جویی (همان: ۳۰۶)

۶, ۱, ۵. زمی: زمین پهلوی ← zamik

مثال: مگر ملایکه در آسمان و گرنه بشر/به حسن صورت اودر زمی نخواهد بود

۶, ۱, ۶. اندیشیدن: به زبان پهلوی ← handesitan: اندیشه کردن، احساس ترس و بیم کردن

مثال: گفت چندین وقت کجا بودی؟ گفت از جاهت می اندیشیدم (همان: ۲۱۴)

۶, ۱, ۷. «است» که در حقیقت همان باقی مانده ((استات)) قدیم پهلوی است (بهار، ۱۳۳۷: ۲۴۷).

مثال: این شنیدستی که در صحرای دور/بارسالاری درافتاد از ستور

گفت چشم تنگ دنیا دار را / یا قناعت پر کند یا خاک گور (باب سوم)

۶, ۱, ۸. گیتی: به زبان پهلوی ← getih: جهان، دنیا، روزگار

مثال: کاش کان روز که دریای توشد خار اجل / دست گیتی بزدی تیغ هلاکم برسر (باب پنجم)

۶, ۱, ۹. پری: به زبان پهلوی ← parik: موجودی افسانه ای نظیر جن به صورت زنی زیبا

مثال: خواجه بایندهی پری رخسار/چون درآمد به بازی و خنده

نه عجب کو چو خواجه حکم کند /وین کشد بارناز چون بنده (باب پنجم)

۶, ۱, ۱۰. پیشیز: به زبان پهلوی ← pasiz: پول خرد فلزی کم ارزش

مثال: قومی براو گردامده، شربتی اب به پیشیزی همی آشامیدند

۷. معنای حروف اضافه:

۱, ۷. با: پهلوی ← apak: گاهی همراهی و مصاحبت را می‌رساند. در مقام مقابله و مقایسه نیز استعمال می‌شود. به معنی ((به)) نیز گفته می‌شود.

به معنی ((به)) ← Pad: و شنید که با یاران می‌گفت: ندانم این آتش از کجا در انبار هیزم افتاد. (احمدی گیوی: ۲۲)

۲, ۷. به: پهلوی ← برای، برای اینکه (پژوهش‌های زبانی، ۱۳۹۰: ۶)

خود به گوشه‌ای صحرا به حاجتی بیرون رفتم (احمدی گیوی: ۲۸۳)

به: به وسیله‌ی (همان، ۱۳۹۰: ۷)

تا کارم به زیر می‌آید، جان در خطر افکندن نشاید (همان: ۳۷۶)

به: با، با حضور (همان، ۱۳۹۰: ۸)

به یک ناتراشیده در مجلسی / برنجد دل هوشمندان بسی (همان: ۲۳۸)

-به: از نظر (همان، ۱۳۹۰: ۸)

به مزاحمت نگفتم این گفتار / هزل بگذار و جد ازو بردار (همان: ۲۷۰)

-به: به دلیل (همان، ۱۳۹۰: ۹)

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه‌ی روزی به خطای منکر نبرد (همان: ۱۶۳)

۳, ۷. بر: پهلوی ← apar: پیشاوندی که بر سر بعضی کلمات درمی‌آید و معنی روی و بالا را می‌رساند. گاهی هم معنی ((به)) را می‌رساند.

به معنی ((به)): هر که بر زیردستان ببخشاید، به جور زبر دستان گرفتار آید. (همان: ۴۰۷)

به معنی ((روی)): برگل سرخ از نم افتاده لالی / همچو عرق بر عذار شاهد غضبان (همان: ۲۷۳)

۸. استعمال واژگان مهجور و متروک:

۱ ، ۸. ضریر: کور، نابینا

به حکم ضرورت با ضریری عقد نکاح بستند. (همان: ۲۷۱)

۲ ، ۸. زیبق: جیوه

زیبقم در گوش کن تا نشنوم / یا درم بگشای تا بیرون روم (همان: ۲۴۹)

۳ ، ۸. مورچانه: موریانه

آهنی را که مورچانه خورد / نتوان برد ازو به صیقل زنگ (همان: ۲۴۸)

۴ ، ۸. سکنج: بوی بد دهان

تشنه را دل نخواهد آب زلال / کوزه بشکست بر دهان سکنج (همان: ۲۳۳)

۹. نتیجه:

سبک سعدی نسبت به سایر آثار هم دوره آن نظیر مقامه ها و ... و حتی آثار دیگر ادوار ، همانگونه که در متن به آنها اشاره گردید برتری دارد و شایسته ستایش است. سبک زبانی سعدی منحصر به فرد و ویژه ی خود اوست ، سادگی نثر او و در عین حال ممتنع و محال بودن آن موجب خلق اثری ارزشمند به نام گلستان شده است طوری که پس از گذشت قرن ها این کتاب هنوز در اوج قله نثر پارسی بی همتا ایستاده است. شیوه نگارش سعدی به سبک عراقی محدود نمی شود و علائمی از سبک خراسانی و واژگان پهلوی در آن دیده می شود و این ویژگی نشان می دهد که گلستان به طور کامل در حوزه سبک عراقی نمی باشد بلکه ویژگی های سبک خراسانی را نیز در خود دارد و توجه به این نکته به جذابیت بیش از پیش گلستان نسبت به دیگر آثار هم دوره می افزاید.

منابع:

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۶)، شرح گلستان سعدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول.
- بهار، محمد تقی (ملک الشعرا) (۱۳۳۷)، سبک شناسی سه جلدی، امیرکبیر، چاپ دوم.
- خزایلی، محمد (۱۳۸۷)، شرح گلستان سعدی، بدرقه جاویدان، چاپ سیزدهم.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۲)، گلستان سعدی، صفی علی شاه، چاپ دوم.
- دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۸)، استاد سخن سعدی، جلد یک، تهران، ناشر همشهری.
- دشتی، علی (۱۳۳۹)، قلمرو سعدی، تهران، ابن سینا، چاپ اول.
- ذوالفقاری، حسن (۸۶-۸۸)، مقاله تقارن‌ها و تناسب‌ها در گلستان سعدی از جمله پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا) شماره ۴.
- رضانی، محسن (۱۳۶۱)، گلستان سعدی، تهرآن، انتشارات پدیده، چاپ جلالی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، حدیث خوش سعدی، سخن، چاپ دوم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، سبک شناسی نثر، تهران، میترا، چاپ سوم.
- صدرالحافظی، سید مهدی (بهار ۸۹)، مقاله مختصات زبانی سبک خراسانی در گلستان سعدی، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) علمی پژوهشی - سال سوم، شماره اول از ص ۷۹ تا ص ۹۹.
- عبدالمهدی، منیژه (۱۳۸۵)، مقاله شیوه‌های روایت پرداززی در گلستان از مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و پنجم، شماره سوم، پاییز ۸۵.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ لغت عمید، راه رشد، چاپ اول.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۸۶)، کلیات گلستان سعدی، میلاد، چاپ هفتم.
- کارگری، امید (۱۳۸۷)، گلستانواره، شیراز، ناشر دانشنامه فارس با همکاری مرکز سعدی شناسی.
- کمیسیون ملی یونسکو، (۱۳۶۶) ذکر جمیل سعدی (مجموعه مقالات و اشعار)، انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مقدم، آژیده (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، مقاله معانی و ساختار دستوری حروف اضافه در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه ترفانی - مجله پژوهش‌های زبانی، دوره ۲، شماره ۱
- مینوی، مجتبی (۱۳۴۶)، پانزده گفتار، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹)، گلستان سعدی، خوارزمی.